



دانشگاه اصفهان
دانشکده زبان‌های خارجی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

مباحث صرفی اسم در عربی و فارسی

(ساختمان کلمه، مصدر و اسم مصدر، معرفه و نکره، اسم فعل، نسبت، تصغیر)

استاد راهنما

دکتر سید محمدرضا ابن‌الرسول

استاد مشاور

دکتر پرستو کریمی

دانشجو

فائزه صفائییه

شهریورماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان
دانشکده زبان‌های خارجی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

فائزه صفائییه

تحت عنوان

مباحث صرفی اسم در عربی و فارسی

(ساختمان کلمه، مصدر و اسم مصدر، معرفه و نکره، اسم فعل، نسبت، تصغیر)

در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۲۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی (۱۸.۴۹) به تصویب نهایی رسید.

- | | | | |
|-----------------------------|------------------------------|------------------------|------|
| ۱- استاد راهنمای پایان‌نامه | دکتر سیدمحمدرضا ابن‌الرسول | با مرتبه علمی استادیار | امضا |
| ۲- استاد مشاور پایان‌نامه | دکتر پرستو کریمی | با مرتبه علمی استادیار | امضا |
| ۳- استاد داور داخل گروه | دکتر سیدرضا سلیمان زاده نجفی | با مرتبه علمی استادیار | امضا |
| ۴- استاد داور خارج از گروه | دکتر محمود براتی خوانساری | با مرتبه علمی دانشیار | امضا |

مدیر گروه زبان و ادبیات عربی

دکتر سیدمحمدرضا ابن‌الرسول

برگ نخست این رساله، تقدیر و سپاسی است صادقانه از

پدر و مادرم

که نخستین برگ زندگی مرا ورق زدند و در طول سالهای تحصیلم، صبورانه مرا همراهی کردند.

و سپاسگزارم از کسی که عشق و ایمان و صبر و آرامش و عظمت نگاهش را بی منت به من آموخت،

معلم دانشگاه علم و عمل؛ دکتر سید محمدرضا ابن الرسول

و آخرین کلامم

سپاسی است خرد و بی مقدار، تشکری کوچک و ساده اما سرشار از عشق

از تکیه‌گاه عشق و امیدم

پر پرواز و همسفر بهشت دنیا و آخرتم

آرام روح و روانم و گرمای زندگی‌ام

همسر خوب و مهربانم؛

محمدرضا

صادقانه؛ سپاسگزارم...

تقدیم

به منتظری که سالهاست منتظر برخاستن ماست...

ولی کسی کجاست تا به انتظار بایستد...

و

تقدیم

به همه کسانی که از این پژوهش بهره می‌برند

چکیده

علم صرف از آن جهت که علم پرداختن به واحد زبانی کلمه است، از دیرباز مورد توجه خاص دست‌نویسان بوده است. نیز از زمانی که مطالعات زبان‌شناسی رواج یافته است، تطبیق ادبیات دو زبان با یکدیگر از مطالعات پرتعداد زبان‌شناسی به شمار می‌آید. در کنار تطبیق ادبی میان دو زبان، تطبیق دستوری نیز علاقه‌مندان خاص خود را دارد. مقولات صرفی در هر زبان اقسام گونه‌گونی دارد که بی‌شک یکی از آن اقسام، اسم است. در این رساله، با رویکردی وصفی تحلیلی به تحلیل چند مبحث از مباحث صرفی اسم می‌پردازیم. این مباحث که شامل «ساختمان کلمه»، «مصدر و اسم مصدر»، «معرفه و نکره»، «اسم فعل و اسم صوت»، «نسبت» و «تصغیر» است، در هر دو زبان عربی و فارسی مطرح بوده، گاهی به قدری مشابهت یافت می‌شود که گمانه‌و‌ام‌گیری این دو زبان را در مباحث دستوری تقویت می‌کند. وجود «ی» نسبت در هر دو زبان تنها با اندکی تفاوت و یا رواج اسم فعل‌های عربی در فارسی با عنوان شبه جمله و صوت، از جمله این مشابهت‌ها است. با وجود این، تفاوت‌های این دو دستور زبان نیز با توجه به تفاوتی که در ریشه این دو زبان وجود دارد، قابل تأمل است و نمی‌توان دستور زبان عربی و فارسی را تماما وابسته به یکدیگر دانست.

واژگان کلیدی: دستور زبان مقابله‌ای، صرف، اسم، زبان عربی، زبان فارسی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	۱- کلیات پژوهش.....
۴.....	۲- ساختمان کلمه.....
۴.....	۲-۱- کلمه و اقسام آن در عربی.....
۹.....	۲-۲- اقسام کلمه در فارسی.....
۱۰.....	۲-۲-۱- اسم.....
۱۱.....	۲-۲-۲- صفت.....
۱۲.....	۲-۲-۳- قید.....
۱۲.....	۲-۲-۴- صوت.....
۱۳.....	۲-۳- مقایسه و جمع بندی.....
۱۴.....	۳- مصدر و اسم مصدر.....
۱۴.....	۳-۱- تعریف.....
۱۴.....	۳-۱-۱- مصدر و اسم مصدر در عربی.....
۱۷.....	۳-۱-۲- مصدر، اسم مصدر و حاصل مصدر در فارسی.....
۲۰.....	۳-۱-۳- مقایسه و جمع بندی.....
۲۱.....	۳-۲- نشانه‌های مصدر و اسم مصدر.....
۲۱.....	۳-۲-۱- نشانه‌های مصدر و اسم مصدر در عربی.....
۲۱.....	۳-۲-۲- نشانه‌های مصدر و اسم مصدر در فارسی.....
۲۵.....	۳-۲-۳- مقایسه و جمع بندی.....
۲۷.....	۴- معرفه و نکره.....
۲۷.....	۴-۱- تعریف معرفه و نکره.....
۲۷.....	۴-۱-۱- تعریف معرفه و نکره در عربی.....

۲۸.....	۴-۱-۲- تعریف معرفه و نکره در فارسی
۲۹.....	۴-۱-۳- مقایسه و جمع بندی
۳۰.....	۴-۲- اقسام و نشانه‌های معرفه و نکره
۳۰.....	۴-۲-۱- اقسام و نشانه‌های معرفه و نکره در عربی
۳۲.....	۴-۲-۲- اقسام و نشانه‌های معرفه و نکره در فارسی
۳۵.....	۴-۲-۳- مقایسه و جمع بندی
۳۶.....	۴-۳- اقسام مشابه معرفه در عربی و فارسی
۳۶.....	۴-۳-۱- رتبه و درجه معارف در عربی و فارسی
۳۷.....	۴-۳-۲- علم در عربی و فارسی
۴۰.....	۴-۳-۳- ضمائر
۴۷.....	۴-۳-۴- اسم اشاره در عربی و فارسی
۵۲.....	۴-۳-۵- موصول در عربی و فارسی
۵۵.....	۴-۳-۶- مضاف به معرفه در عربی و فارسی
۵۶.....	۴-۳-۷- منادا در عربی و فارسی
۵۸.....	۴-۴- رابطه معرفه و نکره با نقش
۶۰.....	۵- اسم فعل و اسم صوت
۶۰.....	۵-۱- اسم فعل و اسم صوت در عربی
۶۰.....	۵-۱-۱- اسم فعل در عربی
۶۵.....	۵-۱-۲- اسم صوت در عربی
۶۶.....	۵-۲- اسم صوت در فارسی
۶۶.....	۵-۲-۱- اقسام صوت در فارسی
۷۵.....	۵-۳- مقایسه و جمع بندی

عنوان

صفحه

۶- نسبت	۷۷
۶-۱- نسبت در زبان عربی و فارسی	۷۷
۶-۲- ارکان نسبت	۷۸
۶-۳- اسالیب نسبت در عربی و فارسی	۷۸
۶-۴- احکام نسبت در عربی و فارسی	۷۹
۶-۵- اسلوب های سماعی نسبت در عربی	۸۱
۶-۶- اسالیب از یاد رفته	۸۲
۶-۷- اغراض نسبت در عربی و فارسی	۸۳
۶-۷-۱- تشبیه	۸۴
۶-۷-۲- بیان خاستگاه و اصالت یک چیز	۸۴
۶-۷-۳- شأنیت و مناسبت با کسی یا چیزی	۸۴
۶-۸- مقایسه و جمع بندی	۸۵
۷- تصغیر	۸۶
۷-۱- تصغیر در زبان عربی و فارسی	۸۶
۷-۲- اسلوب های تصغیر در عربی و فارسی	۸۷
۷-۳- اوزان و احکام تصغیر در عربی و فارسی	۸۷
۷-۳-۱- اوزان تصغیر در عربی	۸۷
۷-۳-۲- چند نکته:	۸۹
۷-۳-۳- پسوندهای تصغیر در فارسی	۹۰
۷-۴- تصغیر ترخیم	۹۲
۷-۵- اغراض تصغیر در عربی و فارسی	۹۳
۷-۵-۱- تقلیل	۹۳

۹۴تحقیق ۲-۵-۷
۹۴تقریب ۳-۵-۷
۹۴تجیب و دلسوزی ۴-۵-۷
۹۵تعظیم ۵-۵-۷
۹۶اختصار لفظی ۶-۵-۷
۹۶مقایسه و جمع بندی ۶-۷
۹۶خلاصه البحث
۱۰۱فهرست منابع و مأخذ

فهرست شکل ها

صفحه

عنوان

- شکل ۱-۲؛ نمودار اقسام کلمه در عربی ۶
- شکل ۲-۲؛ نمودار اقسام اسم در عربی ۸
- شکل ۱-۳؛ نمودار اقسام مصدر در عربی ۱۵
- شکل ۱-۴؛ نمودار اقسام اسم اشاره در عربی ۴۸

فهرست جداول

صفحه

عنوان

۱۶	جدول ۱-۳؛ مصادر قیاسی ثلاثی مجرد
۴۱	جدول ۱-۴؛ انواع ضمائر منفصل در عربی
۴۱	جدول ۲-۴؛ انواع ضمائر متصل در عربی
۴۳	جدول ۳-۴؛ انواع ضمائر متصل شخصی
۴۴	جدول ۴-۴؛ انواع ضمائر منفصل شخصی
۴۹	جدول ۵-۴؛ اسم‌های اشاره
۵۳	جدول ۶-۴؛ اسم‌های موصول در عربی

فصل اول

کلیات بحث

علم صرف که علم شناخت اوضاع و احوال کلمات از حیث ساختار و ساختمان واژگان است، همواره دوشادوش نحو مورد عنایت خاص علمای زبان بوده و اساتید فارسی زبان و عربی زبان برای تألیف کتب دستوری خود، پیوسته از این علم استفاده کرده اند و آن را سنگ بنای کار خود در دستور زبان قرار داده اند.

از دیدگاه زبان شناسی، میان زبان فارسی و زبان عربی فرسنگ‌ها فاصله وجود دارد و ریشه این دو زبان کوچکترین ارتباطی با هم ندارد چه، زبان عربی از دسته زبان‌های سامی و زبان فارسی از دسته زبان‌های هندی اروپایی است و در واژه شناسی، یکی رویکرد اشتقاقی و دیگری رویکرد ترکیبی دارد. با وجود این، وجوه تشابه و تعامل این دو زبان با یکدیگر غیر قابل انکار است و همین امر اهمیت و ارزش پژوهش در این باب را دوچندان می‌کند.

وام‌گیری فارسی و عربی از یکدیگر نه تنها در واژگان که گاه در ساختار و ساختمان کلمات هم قابل تأمل است. تقسیمات اسم چه در فارسی و چه در عربی گونه‌های مختلفی را شامل می‌شود که اگرچه به ظاهر متفاوت است اما نقاط تشابه بسیاری در آن وجود دارد.

این تحقیق، پژوهشی است بر مباحث صرفی اسم در عربی و فارسی که با رویکردی تطبیقی سعی در آشکار سازی وجوه اشتراک و افتراق این دو زبان دارد. مباحثی که در این پژوهش به طور مشخص بررسی می‌شود عبارت است از: ساختمان اسم در فارسی و عربی، مصدر و اسم مصدر، معرفه و نکره، اسم فعل، اسم منسوب و اسم مصغر.

در بحث از هر کدام از گونه‌های اسم، نخست به اسلوب هر کلمه و تعریف صرفی واژگان در هر یک از دو زبان و سپس به بررسی وجوه اشتراک و افتراق میان آن‌ها پرداخته می‌شود. به طور مثال در بحث نسبت ابتدا

اسلوب‌های نسبت در عربی و سپس در فارسی مطرح می‌گردد و در پایان شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها و احیاناً داد و ستد و تأثیر و تأثر دو زبان در این باره بررسی می‌شود.

درباره پیشینه این پژوهش، باید گفت پیش از این کم و بیش مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته و کتب و مقالاتی نیز به چاپ رسیده است.

کتاب‌هایی مثل *برابره‌های دستوری در عربی و فارسی* نوشته سید حمید طیبیان و *عربی در فارسی* نوشته خسرو فرشیدورد از این قبیلند. رساله دکتری آقای احسان اسماعیلی طاهری نیز با نام *مقولات صرفی اسم در عربی و فارسی* که در آن از مباحث اسم در عربی و فارسی از نظر ساختار و اسم در عربی و فارسی از لحاظ رویکردهای مختلف غیر ساختمانی سخن به میان آمده، قابل ذکر است. این رساله در تیر ماه سال ۱۳۸۵ در دانشگاه تهران برای دریافت درجه دکتری در رشته زبان و ادبیات عربی تدوین و دفاع شده است.

مباحث اصلی این رساله مشتقات عربی است که برابر انواع مختلف صفت در فارسی قرار گرفته و در هر فصل به تطبیق و مقایسه یکی از این مسائل پرداخته شده است.

با وجود پژوهش‌های صورت گرفته، جای یک پژوهش جامع و کامل هنوز خالی است. چه، نگارندگان پارسی زبان بر مبنای فارسی کار کرده و تنها مشابهات را بررسی کرده‌اند و نگارندگان عربی زبان بر مبنای عربی و مشابهاتش با زبان فارسی. البته این پژوهش نیز با توجه به رساله آقای اسماعیلی، در جهت تکمیل آن رساله و پرداختن به مباحث بررسی نشده در آن به انجام رسید و همین امر حجم اندک رساله و در پی آن خرده‌گیری برخی دوستان و اساتید را سبب شد. چنانچه گذشت، در رساله مذکور، در بخش اول به مباحث واژه‌سازی، اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، صیغه مبالغه، اسم تفضیل، اسم آلت، و اسم مکان و زمان در عربی و فارسی پرداخته شده و در بخش دوم از اسم جنس و علم، معرفه و نکره، اسم ذات و معنا، مفرد و ثنا و جمع و مذکر و مؤنث در عربی و فارسی سخن به میان آمده است. چنانچه ملاحظه میشود جای مباحثی چون ساختمان اسم، اسم منسوب، مصغر، مصدر و اسم مصدر و اسم فعل در این پایان‌نامه خالی است. بحث معرفه و نکره، نیز در این رساله با رویکردی متفاوت از مسائل مورد بحث در رساله آقای طاهری بررسی شده است.

هدف اصلی این رساله تطبیق و بررسی مباحث صرفی اسم در منابع موجود دستوری زبان عربی و فارسی است و رعایت ترتیب زمانی این منابع یا نقد آن در این پژوهش امکان‌پذیر نیست. همچنین تلاش اصلی پژوهشگر این رساله بر آن بوده که عادلانه و با نگاهی برابر هر دو زبان را بررسی کند و به بیان محاسن و معایب پردازد. بر همین اساس، نظریات موجود در رساله مبنی بر قاعده مندتر بودن دستور یک زبان نسبت به دیگری ویژه همان بخش و البته قابل نقد است.

این رساله مطابق با شیوه نامه نگارش انجمن «MLA»، بدون ذکر تاریخ انتشار و بر اساس نام و نام خانوادگی مؤلف و شماره صفحه تنظیم شده است.

به هر روی نگارنده این پژوهش که به امید کمک به ترجمه و معادل یابی واژگان پا به عرصه این بحث نهاد، بر این باور است که نتایج این رساله، تنها برای دانشجویان زبان عربی نبوده و پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی نیز می توانند در مطالعات دستوری خود از آن بهره برند؛ هرچند عرصه پژوهش همواره فراخ بوده و این رساله نیز عاری از عیب و خطا نیست.

در پایان، امیدواریم نتایج حاصل از این پژوهش خُرد، مورد استفاده دانشجویان و اساتید گرامی، قرار گرفته و در آموزش زبان عربی به فارسی زبانان مؤثر افتد.

فصل دوم

ساختمان کلمه

سخن از کلمه و کلام، از نخستین مباحث صرف در عربی است.

در هر زبان برای بیان یک مقصود از واحدهای زبانی یکسانی استفاده می کنند. واجها و حرفهای الفبا کنار هم نشسته و کلمات را تشکیل می دهند، سپس گونه‌های متفاوت کلمه با هماهنگی خاص و قواعد دستوری خاص هر زبان جمله‌ها را می سازند و مجموع جملات کلامی می شود که مفهوم و مراد گوینده یا نویسنده را به مخاطب خویش برساند.

علم صرف، علم پرداختن به گونه‌های کلمات از حیث ساختار لفظی است. یعنی هر کلمه بدون توجه به نقش آن در یک جمله چه ویژگی‌هایی دارد. از همین رو، ابتدایی ترین بحث علم صرف هر زبان، شناخت انواع کلمه است.

۲-۱- کلمه و اقسام آن در عربی

زبان عربی نیز که تألیف نخستین کتاب دستوری اش به قرن دوم هجری برمی گردد، از این قاعده مستثنی نیست و همه کتب صرفی بحث خود را با اقسام کلمه آغاز کرده اند.

ابن مالک بعد از حمد و ثنای پروردگار در آغاز الفیه چنین می سراید:

كَلَامُنَا	لَفْظٌ	مُفِيدٌ	كَاسْتَقِيمُ	وَأَسْمٌ	وَفِعْلٌ	ثُمَّ	حَرْفٌ	الْكَلِمُ
وَاحِدَةٌ	كَلِمَةٌ	وَالْقَوْلُ	عَمٌّ	وَكَلِمَةٌ	بِهَا	كَلَامٌ	قَدْ	يَوْمٌ
بِالْحَجْرِ	وَالْتَنْوِينِ	وَالنَّادَا	وَأَلْ	وَمُسْنَدٍ	لِلْإِسْمِ	تَمْيِيزٌ		حَصَلَ

بِتَا فَعَلَتْ وَأَتَتْ وَيَا أَفْعَلِي وَنُونٍ وَأَقْبَلَنَّ فِعْلٌ يَنْجَلِي
 سِوَاهُمَا الْحَرْفُ كَهَلٌ وَفِي وَلَمْ فِعْلٌ مُضَارِعٌ يَلِي لَمْ كَيْشَمَّ
 وَمَاضِيَّ الْأَفْعَالِ بِالنَّاءِ مِزٌ وَسِمٌ بِالنُّونِ فِعْلٌ الْأَمْرُ إِنَّ أَمْرٌ فُهُمُ
 وَالْأَمْرُ إِنَّ لَمْ يَكُ لِلنُّونِ مَحَلٌّ فِيهِ هُوَ اسْمٌ نَحْوُ صَهْ وَحِيَّهَلْ

(۹-۱۱)

سخن ما، متشکل از لفظی است که مفید معنی باشد، مانند کلمه استقم. {و این کلام} عبارت است از اسم، فعل و حرف.

واحد کلام، کلمه است و گفتار شامل همه این موارد است و کلمه همان است که کلام بر آن استوار شده است.

نشانه‌های اسم، به مجرور شدن، تنوین گرفتن، منادی واقع شدن، ال گرفتن و مسند شدن است. با حرف «تاء» در کلمه فعلت و أتت، و حرف «یاء» در فعل افعلی و حرف «نون» در فعل أقبلن فعل آشکار می‌شود.

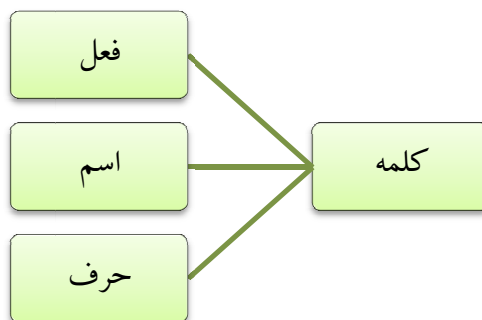
غیر از این دو، حرف است مانند «هل» و «فی» و «لم» {و نشانه فعل مضارع آن است که در پی حرف «لم» می‌آید مانند «لم یشم»}.

و فعل‌های ماضی را با حرف «تاء» تشخیص بده و اگر فعلی، معنای امری داشت و نون تأکید را پذیرفت، آن فعل امر است.

و اگر از کلمه‌ای معنای امری دریافت شد ولی نون تأکید را نپذیرفت، آن کلمه اسم فعل است، مانند «صه» و «حیهل».

به عبارت دیگر در آغاز سخن به بیان دستور زبان، کلمه را به سه قسم فعل و اسم و حرف تقسیم کرده است. مبنای این تقسیم، مبنایی عقلی و منطقی است. در واقع کلمه در عربی با این استدلال تقسیم می‌شود که هر واژه، یا معنای مستقل دارد و یا ندارد. اگر معنای مستقلی نداشته باشد، حرف است و اگر معنای مستقلی داشته باشد از دو حال خارج نیست. یا دال بر زمان است یا نیست. اگر دال بر زمانی خاص باشد فعل است و اگر زمانی در کلمه نهفته نباشد، اسم نامیده می‌شود.

شکل ۲-۱؛ نمودار اقسام کلمه در عربی



با همین تقسیم معنای اسم و فعل و حرف نیز مشخص می‌شود:

اسم کلمه‌ای است که به خودی خود و بدون قید زمان بر معنایی دلالت کند مانند احمد، عصفوره، شجاعة، عشرة، بیضاء، أنتن، هذا، کم.

همان‌گونه که از آیات ابن مالک بر می‌آید، اسم را پنج نشانه ویژه است که بدان شناخته می‌شود:

۱- مجرور شدن: اگر کلمه‌ای به یکی از دلایل نحوی مجرور شود، اسم است؛ در عبارت «كنتُ في زيارةِ صديقٍ کریمٍ»، کلمات زیارة، صديق و کریم هر سه اسم به شمار می‌آیند (حسن ۱: ۲۵).

۲- تنوین گرفتن: برخی کلمات توانایی پذیرش تنوین دارند و اگر کلمه‌ای تنوین بپذیرد قطعاً اسم است؛ حامدٌ، عصفورٌ، کتاباً.

۳- منادا شدن: منادا واقع شدن یک کلمه دال بر اسم بودن آن است؛ یا محمدٌ، یا مریمٌ.

۴- ال گرفتن: اگر بتوان به ابتدای کلمه‌ای ال افزود، آن کلمه اسم است؛ العدل، التسعة، الکریم.

۵- مسند الیه واقع شدن: اسناد، نسبت و رابطه میان وقوع کاری یا رخ دادن حالتی است با کننده آن کار، خواه به ایجاب یا به سلب (حسن ۱: ۲۶).

کلمه‌ای که فعل بدان منسوب می‌شود، خواه این فعل ایجابی باشد یا سلبی یا طلبی، مسند الیه نامیده می‌شود و مسند الیه حتماً باید اسم باشد، پس اگر کلمه‌ای در جمله مسند الیه واقع شود، آن کلمه وجوباً اسم است.

فعل، کلمه‌ای است که به خودی خود و با قید زمان بر معنی دلالت کند. بدین سان که بر رخ دادن کاری یا حالتی در گذشته یا اکنون یا آینده دلالت می‌کند. مانند ذَهَبَ (رفت در گذشته) و یکتب (می‌نویسد در حال یا آینده) (فرشیدورد، عربی در فارسی ۵).

فعل نیز نشانه‌های خاص خود را دارد که از آن جمله است:

- ۱- جزم، که سکون در آخر فعل یا حذف نون از پایان فعل است و مختص فعل است؛ کم یستقم، لما یدهبوا.
- ۲- حرف «ت» به عنوان ضمیر در صیغه‌های مفرد مخاطب مذکر و مؤنث و مفرد فعل ماضی و به عنوان نشانه تأنیث در مفرد مؤنث غایب فعل ماضی، از نشانه‌های خاص فعل است؛ أتت، ذهبت، کتبت.
- ۳- پذیرش نون تأکید: نون تأکید خفیفه و ثقیله تنها به فعل ملحق می‌شود، پس اگر کلمه‌ای به «ن» تأکید ختم شود قطعاً فعل است؛ أقبلن، یدهبُن.
- ۴- ضمیر «ی» در صیغه مفرد مؤنث مخاطب فعل مضارع و امر نیز از دیگر نشانه‌هایی است که مختص فعل است؛ اُفْعَلِی، تَرَحِّمِیَن.
- همانطور که مشاهده می‌شود، همه نشانه‌های فعل، لفظی است، بر خلاف نشانه‌های اسم که علاوه بر نشانه‌های لفظی، نشانه معنوی و نحوی نیز داشت.
- حرف، کلمه‌ای است که از خود معنی مستقلی ندارد. و زمانی که در جمله در کنار فعل و اسم می‌نشیند به کامل شدن معنی جمله یا معنی فعل کمک می‌کند؛ إن (اگر)، مِن (از)، در واقع حرف، حد بین اسم و فعل و رابط میان آن دو است (زجاجی ۴۴).
- پس تا اینجا دریافتیم که کلمه، آوایی است دارای معنی که از مجموع حروف درست شده باشد. اگر آوایی معنا نداشته باشد مهمل نامیده می‌شود (طیبیان ۴).
- این تقسیم، به قدری عقلی و منطقی می‌نماید که در اولین نگاه جای هیچ اما و اگر نمی‌گذارد اما با کمی تأمل این سوال پیش می‌آید که جای کلمه‌ای مانند اسم فعل کجاست و در کدام دسته قرار می‌گیرد؟ این سوال زمانی بارزتر می‌شود که ویژگی‌های ظاهری اسم و ویژگی‌های معنوی فعل در اسم فعل به راحتی قابل مشاهده است چه، برخی از اسم فعل‌ها تنوین می‌پذیرند و هیچ یک از انواع اسم فعل، نون تأکید را که از نشانه‌های خاص فعل است نمی‌پذیرد، ولی از طرف دیگر مهم‌ترین مطلب در تعریف اسم فعل، دلالت آن بر زمان است یعنی حتماً بر یکی از سه زمان ماضی و مضارع و امر دلالت می‌کند. حال با این وصف آن را در دسته اسم قرار دهیم یا فعل؟ این سوالی است که در صرف عربی بی‌پاسخ مانده و علمای عربی زبان، اسم فعل را همیشه در زمره اسم به شمار می‌آورده‌اند. به عبارت دیگر مبنای قرار گرفتن اسم فعل در زمره اسم، ظاهر و لفظ آن بوده است.
- این در حالی است که مبنای تقسیم بندی کلمه در عربی، معنایی بود و اقسام کلمه بر اساس دلالت داشتن یا نداشتن بر معنی مستقل دسته‌بندی شده‌اند. از این جهت شاید بهتر باشد اسم فعل با تغییر نام به الفعل الاسمی یا فعل اسم گونه در زمره فعل قرار گیرد و تنها از ویژگی‌های ظاهری فعل مستثنی شود.
- پس از تعریف و بیان نشانه‌های اسم در عربی نوبت به اقسام آن می‌رسد. غلایینی اسم را بر ۱۳ گونه تقسیم